

Indications to Find the Reference of the Pronoun in Kāfī's Asnad

Seyed Ali Delbari¹
Aliakbar Habibi-mehr²

[DOI: 10.22051/tqh.2020.28316.2724](https://doi.org/10.22051/tqh.2020.28316.2724)

Received: 30/01/2020

Accepted: 28/10/2020

Abstract

The best Shiite hadith book, *Al-Kāfī* by Sheikh Kuleinī, contains various forms of *sand*, such as normal, converting, etc. One of their most important and common is the pronoun *sanad*, which is divided into two types of ordinary (360 cases) and unusual pronouns (737 cases). Since discovering the references of such *sanads* is critical, based on the analytical-descriptive method and relying on library sources, this study identifies the references to their pronouns. As a result, 8 indications to references are found, as the internal indications are as follows: the context, a series of similar *sanads*, and the master and student, by which the traditionist will be conducted at least in 349 hadiths. The external indications also are as follows: the affirmation of the scholars, the existence of the *sand* in another book, the plurality of a narrator's report from another narrator, the narration of a person from a particular book, and the absence of reference to a particular narrator, by which totally the traditionist will be helped at least in 222 hadiths, many of which are abnormal pronouns *sanads* addressed to them. The sources of these hadiths are referred for instance, although the indications are applied in other pronoun hadiths.

Keywords: *Al-Kāfī, Pronoun Sanad, Context, Similar Sanads.*

¹. Associate Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. saddelbari@gmail.com

². PhD Candidate of Qur'anic and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. (The Corresponding Author).

aliakbarhabibimehr@gmail.com

Indications to Find the Reference of the Pronoun in Kāfi's Asnad

Seyed Ali Delbari¹
Aliakbar Habibi-mehr²

DOI: 10.22051/tqh.2020.28316.2724

Received: 30/01/2020

Accepted: 28/10/2020

Extended Abstract

One of the best Shiite books and the most useful ones in the field of narration is the important book of Al-Kāfi that written by Muhammad ibn Ya'qub Al-Kolaini, which has different types of documents; Such as: ordinary document, delivery, suspension, submission, etc. One of the most important and numerous of these types of documents is the pronoun document with 1097 documents, which is divided into two types of ordinary pronoun documents (returning of the pronoun from the beginning of the next narration to the beginning of the previous document) in 360 documents And an unusual pronoun document (returning of the pronoun from the beginning of the document, to the middle of the previous document or the distance between the pronoun and its reference) is divided into 737 documents. Due to the important position of discovering the correct reference of the pronoun by itself and due to its effect on jurisprudence and the lack of related background, this research wants to search for evidences by descriptive-analytical method and relying on library sources with the help of which the pronoun reference of the documents in the unique book of Shiite narration should be recognized correctly. The achievement of this article is eight indications in discovering the reference of the pronoun, that the most important of them is contextual necessity and can be generally divided into two categories of internal and external contexts on

¹. Associate Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. saddelbari@gmail.com

². PhD Candidate of Qur'anic and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. (The Corresponding Author).

aliakbarhabibimehr@gmail.com

which the internal contexts are based: contextual necessity, series of similar documents, teacher of narration and narrator which guides the narration scholar in at least 349 narrations, and the external evidences include: specification of adults who lived before or after Kolaini; Such as: Muhammad ibn Hassan Saffar (290 AH) and etc, being a document in another book; like al-Mahasin, the multiplicity of quoting one narrator from another; Such as the numerous narrations of Ahmad ibn Muhammad ibn Isa from Husayn ibn Ali Ahwazi, etc, narrating a person from a special book; Such as: the narration of the book of Ishaq Ibn Ammar and Al-Khattab Ibn Muslim by Ibn Abi Umayr and the non-recourse of the pronoun except to a specific narrator based on arguments that rely on historical information and the like. External evidence guides the scholar of narration in at least 222 documents that many of these documents are unusual pronouns and have been referred to them. In internal and external evidences, for example, the address of this number of hadiths was referred to. Otherwise, these evidences are used in other pronoun narrations as well.

Keywords: *Al-Kāfī, Pronoun Sanad, Context, Similar Sanads.*



فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (علوم اسلامی)

سال هفدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۹، پیاپی ۴۸، مقاله پژوهشی، صص ۱۰۹-۱۴۲

قرآینی در بازشناسی مرجع ضمیر در اسناد ضمیری الکافی

سید علی دلبری^۱

علی اکبر حبیبی مهر^۲

DOI: 10.22051/tqh.2020.28316.2724

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۷

چکیده

بهترین کتاب در حدیث شیعه، کتاب گران سنگ الکافی نوشته محمد بن یعقوب کلینی است که دارای گونه های گونه گونی از اسناد مانند: سند عادی، تحویلی و... است. از مهم ترین و پرشمارترین این گونه ها، سند ضمیری است (۱۰۹۷ سند) که به دو گونه سند ضمیری عادی (۳۶۰ سند) و غیرعادی (۷۳۷ سند) تقسیم می گردد. این جستار به سبب جایگاه خطیر درست کشف کردن مرجع ضمیر، بر آن شد که با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه ای، به جست و جوی قرآینی برآید که به یاری آنها، مرجع ضمیر این گونه از اسناد در کتاب بی نظیر حدیثی شیعه به صواب تمیز داده شود. دستاورد این نوشتار عبارت است از وجود هشت قرینه در کشف مرجع ضمیر که قرآینی داخلی آن بر این پایه اند: اقتضای سیاق، سلسله

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. Sadelbari@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

aliakbarhabibyimehr@gmail.com

اسناد مشابه، شیخ روایت و راوی که حدیث شناس را دست کم در ۳۴۹ حدیث راهبری می‌کند و قرینه‌های خارجی عبارتند از: تصریح بزرگان، بودن سند در کتابی دیگر، کثرت نقل یک راوی از راوی دیگر، روایت نمودن شخصی از کتاب مخصوصی و عدم رجوع ضمیر جز به یک راوی خاص که حدیث‌شناس را حداقل در ۲۲۲ سند راهنمایی می‌کند که بسیاری از این اسناد، از گونه اسناد ضمیری غیرعادی بوده و بدان‌ها ارجاع داده شده است. به آدرس این تعداد از احادیث به عنوان نمونه ارجاع داده شده، و گرنه این قرآین در دیگر احادیث ضمیری نیز کاربرد دارد.

واژه‌های کلیدی: الکافی، سند ضمیری، سیاق، سلسله اسناد مشابه.

مقدمه و طرح مسئله

کتاب الکافی از جلیل‌ترین کتب شیعه و مفیدترین آنها به شمار می‌آید (مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۷۰) تا آنجا که اعجاب بسیاری را برانگیخته است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۴، ص ۱۹۰؛ ج ۱۰۵، صص ۴۷ و ۶۳). شهید ثانی درباره این کتاب گوید: «لَا يُوجَدُ فِي الدُّنْيَا مِثْلَهُ جَمْعًا لِلْأَحَادِيثِ وَ تَهْذِيبًا لِلْأَبْوَابِ وَ تَرْتِيبًا...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، اجازه روایت شهید ثانی به سیدعلی بن صائغ، ج ۱۰۵، ص ۱۴۱).

آقابزرگ تهرانی نیز آن را کتابی دانسته که نظیرش نگاشته نشده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷، ص ۲۴۵). وجود ۱۶۰۷ نسخه خطی به جا مانده از آن، به گونه‌ای دیگر از اهتمام عالمان، نسبت به این کتاب در اعصار گونه‌گون حکایت دارد (صدرایی خویی، ۱۴۲۹ق، صص ۳۵۱-۵۳۸).

کتاب الکافی دارای ده گونه سند می‌باشد (دلبری، ۱۳۹۰ش، صص ۹۲-۷۶) که یکی از آنها، اسناد ضمیری است و به جهاتی مانند: پرشماری اسناد ضمیری الکافی،^۱ عدم وجود نگاهشده‌ای نسبت به قراین کشف ضمیر و خطیر بودن جایگاه کشف درست در مرجع ضمیر، این جستار بر آن شد که به این سوالات پاسخ دهد؛ چه قراینی بر کشف مرجع ضمیر در اسناد ضمیری وجود دارد؟ آیا این قراین، بنابر فراوانی که در احادیث دارند؛ کم کاربرد یا پر کاربرد به شمار می‌آیند؟ چه نمونه‌هایی را می‌توان از این قراین به عنوان مثال آورد و ارجاع داد؟

پیشینه بحث

درباره مسئله این نوشتار، به طور مستقیم تحقیقی پیدا نشد. در عرصه پایان‌نامه‌ها، هیچ پایان‌نامه‌ای وجود نداشت که به مبحث سند ضمیری اشاره کرده باشد و در حوزه مقالات، تنها مقاله «بررسی گونه‌های اسناد در کتب اربعه حدیثی» به تعریف، بیان انواع و ذکر دو نمونه اکتفا کرده است. صد البته بن‌مایه‌های آن در کتب حدیثی و رجالی به شکل پراکنده دیده می‌شود برای نمونه کتاب «منتقى الجمان» بحث شناسایی مرجع ضمائر برخی از احادیث را پیش کشیده است (ابن شهید ثانی، ۱۳۶۲ش، ج ۲، ص ۷۳، ۲۴۰، ۵۰۵ و ...). یا در کتاب «معجم رجال الحدیث» این بحث به شکل پراکنده دیده می‌شود (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۷۷؛ ج ۶، ص ۲۷۳).

البته کاملترین این مباحث را می‌توان در کتاب «توضیح الاسناد المشکله فی الکتب الاربعه» پیدا کرد که برای آن انواعی بیان نموده و مثال‌های زده (شیرازی زنجانی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، صص ۳۰-۲۶) و در رویارویی با برخی از اسناد ضمیری، استدلالاتی برای شناسایی مرجع ضمیر بیان کرده است (همان، ج ۱، ص ۵۳، ۵۷، ۷۸، ۱۰۷، ۱۳۰ و ...). همچنین نباید از تلاش‌های محققان کتاب الکافی چاپ دار الحدیث غفلت ورزید، آنان در پاورقی‌هایی

۱. تعداد ۱۰۹۷ سند ضمیری در کتاب کافی وجود دارد. این عدد با جداسازی روایات مضمرة از اسناد ضمیری در بخش آمار نرم‌افزار درایه‌النور به دست آمده است.

که بر اسناد کتاب الکافی زده‌اند به توضیح و رفع ابهام از برخی از اسناد ضمیری همت گماردند (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، پاورقی صص ۱۸۹، ۳۱۲؛ ج ۲، ص ۱۱۳؛ ج ۳، ص ۱۱۸؛ ج ۴، ص ۸۹ و...) و همچنین نباید پاورقی‌های کتاب الموسوعه الرجالیه در این عرصه را فراموش کرد (تبریزی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۹۰، ۱۲۱، ۱۶۹، ۲۷۳ و...).

۱. قرآینی در شناسایی مرجع ضمیر در الکافی

برای پرداختن به بازشناسی قرآینی در کشف مرجع ضمیر در اسناد ضمیری الکافی بیان مباحثی به عنوان مقدمه لازم است:

۱-۱. تعریف سند ضمیری

سند ضمیری، سندی است که در آغاز آن به جای نام راوی، ضمیر به کار رود (شبییری زنجانی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۲۶) و به اصطلاح روایت مضمیره که در آن راوی، در پایان سند (کنی تهرانی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۷۵) به جای نام شخص مسئول — که معلوم نیست امام معصوم است یا غیر او — (ایروانی، ۱۴۳۱ق، ص ۵۲) از ضمیر بهره می‌برد متفاوت است (بهای، ۱۳۹۸ق، ص ۵). همان‌گونه که جهت‌های آن دو نیز ناهمگون است؛ زیرا در روایت مضمیره، تقیه (استرآبادی، ۱۳۸۸ش، ص ۷۸) یا تقطیع روایات (عاملی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۶۰۰) و مانند آن، روایت را به اضمار می‌کشاند؛ در حالیکه در سند ضمیری، ناقل به جهت اختصار به جای نام راوی از ضمیر بهره برده است (جدیدی‌نژاد، ۱۳۸۹، ص ۲۵).

۲-۱. ضرورت کشف مرجع ضمیر در اسناد ضمیری در عرصه فقه

پی‌بردن به مرجع ضمیر نه تنها بنفسه شایان اهمیت است از این‌رو که فهم مفاد سند در این‌گونه از اسناد، پیرامون آن می‌چرخد (شبییری زنجانی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۳۲)؛ در عرصه فقه نیز تاثیرگذار است؛ هرآینه میزان تأثیر داشتن کشف در ست ضمیر در اسناد ضمیری یا عدم آن در فقه، موضوع این مقاله نیست. از این‌رو به دو مثال اکتفا می‌شود:

الف) کلینی اسناد ۱۳ تا ۱۵ «باب التعقیب بعد الصلاة» را این‌گونه آورده است:

۱۳. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي هَارُونَ الْمَكْفُوفِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ...

۱۴. وَ هَذَا الْإِسْنَادُ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ...

۱۵. وَ عَنْهُ عَنْ أَبِي حَالِدٍ الْقَمَاطِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: ... (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۶، صص ۲۳۶ و ۲۳۵، ح ۱۳-۱۵).

مقدس اردبیلی با برگرداندن مرجع ضمیر «عنه» به صالح بن عقبه به جای محمد بن اسماعیل بن بزيع عملا اعتبار حدیث را کاهش داده است (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۱۲). از آنجا که در وثاقت صالح بن عقبه بن قیس تردید وجود دارد، نجاشی و طوسی درباره این شخص مطلبی نیاوردند (ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۰۰؛ طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۲۲۷) لیکن ابن غضائری و حلی او را تضعیف کردند (حلی، ۱۳۴۲ش، ص ۶۹؛ حلی، ۱۴۰۲ق، ص ۲۳۰). در حالی که در ثقه بودن محمد بن اسماعیل بن بزيع، تردیدی وجود ندارد (ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۳۰؛ طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۶۴؛ حلی، ۱۴۰۲ق، ص ۱۳۹؛ حلی، ۱۳۴۲ش، ص ۲۹۸).

ب) کلینی، اسناد ۲۷ و ۲۸ «باب صلاة النوافل» را این گونه باز آورده است:

«۲۷. عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي سَبَاطٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَادِ قَالَ: صَلَّىتْ خَلْفَ الرِّضَا (ع) فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ صَلَاةَ اللَّيْلِ ...

۲۸. وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْوَلِيدِ الْكِنْدِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ جَابِرٍ أَوْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ: ... (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۶، ص ۵۴۵، ح ۲۷ و ۲۶).

صاحب وسائل ضمیر «عنه» را به علی بن محمد برگردانده (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۱۳۰، ح ۲) و مشکل سند را از این جهت مرتفع ساخته است، این در حالی است که از خوبی نقل گشته که مرجع ضمیر، سهل بن زیاد است (ششیری زنجانی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۳۰۸) که اگر این سخن پذیرفته گردد، این حدیث وارد معرکه آراء فقیهان در پذیرش

یا عدم پذیرش روایات سهل خواهد شد. همان گونه که چنین اشکالی بر احادیث دیگری که سهل بن زیاد در آن قرار گرفته، وارد آمده است.

این دو نمونه از اهمیت در ست تشخیص دادن مرجع ضمیر است و البته در صورت احصاء، موارد دیگری یافت می شود که هدف این نوشتار نیست (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۰، ص ۵۲۴، ح ۲۱).

۱-۳. انواع سند ضمیری

روشن است که رفع ابهام از ضمیر با شناسایی مرجع آن میسر است که از همین بزنگاه، می توان سند ضمیری را به دو گونه سند ضمیری عادی (جلی) و غیر عادی (خفی) تقسیم نمود.

الف) سند ضمیری عادی؛ آن سندی است که ضمیر از آغاز حدیث لاحق به اول سند قبلی بازگردد (شیرازی زنجانی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۲۶)؛ که در این صورت چون شناخت مرجع ضمیر روشن است، آن را سند ضمیری جلی نیز گفته اند (دلبری، ۱۳۹۵ش، ص ۲۸۴). در جداسازی اسناد ضمیری عادی از غیر عادی باید خاطر نشان نمود که ۳۶۰ سند از اسناد الکافی در زمره اسناد ضمیری عادی هستند که حدود ۳۳ درصد از کل اسناد ضمیری است. مانند اولین سند ضمیری کتاب الکافی در کتاب عقل و جهل که کلینی این گونه آورده است: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْجُهْمِ قَالَ: سَمِعْتُ الرِّضَا يَقُولُ: ... وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْجُهْمِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحُسَيْنِ: ...» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۲۶، ح ۴ و ۵). در عبارت فوق، ضمیر «عنه» به محمد بن یحیی در آغاز سند پیشین برمی گردد.

ب) سند ضمیری غیر عادی؛ سندی است که ضمیر از آغاز سند، به وسط سند پیشین برگردد یا بین ضمیر و مرجع آن فاصله افتد خواه قرینه ای در خود سند بر مرجع ضمیر باشد یا نباشد یا ارجاع ضمیر به اول سند قبلی ممکن باشد یا نباشد (شیرازی زنجانی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۲۶) که در این صورت چون شناخت مرجع ضمیر روشن نیست به آن سند ضمیری

خفی نیز می‌گویند (دلبری، ۱۳۹۰، ش، ص ۸۷). تعداد ۷۳۷ سند ضمیری در کتاب الکافی از این گونه است که تقریباً ۶۷ درصد از کل اسناد ضمیری است که در ادامه نمونه‌ای آورده می‌شود:

کلینی در «بَابُ فِي تَرْكِ طَاعَتِهِنَّ»، اسناد پنجم تا هشتم را این گونه آورده است:
«۵. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُحْتَارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ...»

۶. وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ ...»

۷. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عَثْمَانَ عَنِ الْمُطَّلِبِ بْنِ زِيَادٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ...»

۸. وَ عَنْهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْجَامُورَانِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ صَنْدَلٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: ...» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۱، صص ۱۸۷ و ۱۸۸، ح ۸-۵).

مرجع ضمیر سند هشتم به احمد بن ابی عبدالله به سند پنجم برمی‌گردد زیرا که روایت‌گر کتاب ابی عبدالله الجامورانی؛ احمد بن ابی عبدالله است (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۵۲۹)؛ بنابراین مرجع ضمیر به سند پیشین بازمی‌گردد (سند هفتم) و به آغاز سند پنجم هم رجوع نمی‌کند؛ زیرا امکان ندارد که ضمیر مفرد به مرجع جمع بازگردد. بنابراین مرجع ضمیر به وسط سند پنجم برمی‌گردد. در نتیجه، نمونه‌ای از سند ضمیری غیر عادی (خفی) به شمار می‌آید.

۲. قراین کشف مرجع ضمیر در سند ضمیری

برای پیدا کردن مرجع ضمیر در اسناد ضمیری قرینه‌های وجود دارد که این نشانه‌ها گاهی در باز شناسی مرجع ضمیری با هم تجمع می‌کنند و دیگرگاه به تنهایی در این را ستا نقش ایفا می‌نمایند. در این مجال، این قراین در دو نوع قراین داخلی و قراین خارجی آورده می‌شود:

۲-۱. قرآین داخلی

مراد از قرآین داخلی در این جستار، آن نشانه‌هایی است که اندرون سند ضمیری و سندی که مرجع ضمیر در آن قرار گرفته، وجود دارد؛ مانند استادی و شاگردی یا اقتضای سیاق، که روند حاکم بر چندین سند، انسان را معترف می‌کند که مرجع تمام ضمایر به یک شخص برگردد.

۲-۱-۱. مقتضای سیاق در سند

مهم‌ترین قرینه در بازشناسی تشخیص مرجع ضمیر در اسناد ضمیری کتاب شریف الکافی، مقتضای سیاق است که این مطلب با مثال‌های فراوانی که در این عرصه وجود دارد قابل اثبات است.

برخی از محققان از این قرینه، هم در اتحاد دو یا چند مرجع ضمیر بهره برده‌اند (برای نمونه ر.ک: شبیری زنجانی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، صص ۱۲۴، ۱۳۰، ۱۷۳، ۱۸۳، ۲۳۳، ۲۴۳، ج ۲، صص ۵۷، ۱۹۱، ۲۳۳، ۲۵۱، کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، پاورقی صص ۵۴۸ و ۶۹۹؛ ج ۱۰، پاورقی صص ۵۲۴ و ۷۶۹؛ ج ۱۲، پاورقی صص ۱۲، ۴۳۰؛ ج ۱۳، پاورقی صص ۴۲ و ۱۱۹) و گاهی هم در کشف یک سند ضمیری (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، پاورقی صص ۶۸۶؛ ج ۹، پاورقی صص ۸۹) لیکن تعریفی از آن ارائه ندادند. ولی با بررسی مصادیق، و با توجه به لغت سیاق به معنای «حدو الشی» و «راندن» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۱۷) می‌توان آن را این‌گونه تعریف نمود: «نوعی ویژگی که بفهماند دو یا چند سند ضمیری که مصنف پشت سر هم قرار داده به این جهت بوده که مرجع ضمیرشان، یک راوی در اسناد پیشین است». در ادامه به یک نمونه اشاره می‌شود:

کلینی در «بَابُ الْحِضَابِ بِالْحِئَاءِ» اسناد حدیث‌های چهارم، پنجم و ششم را این‌گونه

می‌آورد:

«۴. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ

مَوْلَى لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ يَقُولُ: ...»

۵. عَنْهُ عَنْ عَبْدِوَسِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْبَغْدَادِيِّ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: ...

۶. عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ بْنِ رُشَيْدٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ أَشْيَمٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيْعٍ قَالَ: قُلْتُ

لِأَبِي الْحَسَنِ: ... فَقَالَ: ...» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۳، صص ۱۱۸ و ۱۱۹، ح ۴ و ۵ و ۶).

برخی در ذیل این چند سند بیان کرده‌اند: «نجاشی در رجالش (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۰۲) و شیخ طوسی در فهرست خود (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۴۸) روایت گراز عبدوس بن ابراهیم بغدادی را، احمد بن ابی عبدالله قرار دادند، بنابراین ظاهراً ضمیر در سند پنجم به ایشان برمی‌گردد و ما به جهت وحدت سیاق حکم می‌کنیم که ضمیر در حدیث ششم هم به ایشان بر گردد» (شیری زنجانی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۲۵۱).

بنابراین وحدت سیاق ضمیر در سند ششم با سند پنجم، قرینه‌ای برای کشف مرجع ضمیر به شمار رفته است همان‌گونه که برخی در ذیل این سند خاطر نشان نمودند:

«أَرْجَعُ الضَّمِيرَ فِي مُعْجَمِ رِجَالِ الْحَدِيثِ إِلَى «أَبِيهِ» الْمَذْكُورِ فِي سَنَدِ

الْحَدِيثِ الرَّابِعِ لَكِنَّ الظَّاهِرَ بِمَلاحِظَةِ السِّيَاقِ رُجُوعُ الضَّمِيرِ إِلَى أَحْمَدَ بْنِ

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ كَمَا رَجَعَ الضَّمِيرُ فِي السَّنَدِ السَّابِقِ إِلَيْهِ وَ يُؤَكِّدُ ذَلِكَ أَنَّ

الْكَلْبِيِّ رَوَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ بْنِ رُشَيْدٍ بِوَأَسْطَتَيْنِ وَ مِنْ جَمَلَةٍ مَنْ

رَوَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ هُوَ سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ وَ هُوَ فِي طَبَقَةِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي

عَبْدِ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۳، پاورقی ص ۱۱۹)

ابوالقاسم خویی، ضمیر را به «ابیه» [در سند چهارم] باز گردانده؛ لیک با ملاحظه سیاق به نظر می‌رسد که ضمیر به احمد بن ابی عبدالله بر گردد که نقل کلینی با دو واسطه (نه سه واسطه) از علی بن سلیمان بن رشید این مطلب را استوارتر می‌سازد (ر.ک: ج ۹، ص ۲۴۷، ح ۴؛ ج ۱۰، ص ۵۴۹، ح ۵۱). بنابراین مرجع ضمیر سند ششم به قرینه سیاق، احمد بن ابی عبدالله است پاره‌ای، مرجع احادیث دیگری را به این‌گونه بازشناسی کرده‌اند (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، صص ۲۱۴، ۲۲۵، ۲۴۳، ج ۲، صص ۱۸۸، ۱۸۹، ۲۳۳، ۲۴۰؛ ج ۴، پاورقی صص ۴۹۰، ۶۹۹، ج ۷، پاورقی ص ۱۷؛ ج ۱۰، پاورقی ص ۷۶۹؛ ج ۱۲، پاورقی ص ۴۳۰؛ ج ۱۳، پاورقی صص ۴۲ و ۱۱۹).

اگر با این ملاک اسناد ضمیری کتاب الکافی مد نظر قرار گیرد، نتیجه از این قرار است که گاهی دو سند ضمیری بعد از سندی غیر ضمیری قرار می‌گیرد که مرجع سند دوم، با سیاق دانسته می‌شود^۲ و گاهی سه سند،^۳ گاه چهار سند،^۴ برخی اوقات پنج سند،^۵ لختی شش سند،^۶ هشت سند^۷ و ده سند^۸ ضمیری پشت سرهم قرار می‌گیرند که به قرینه سیاق مرجع ضمیر آنها مشخص می‌گردد. در نتیجه با این قرینه، مرجع ضمیر ۱۷۶ سند مشخص گشته و از ابهام خارج می‌شود.

۲. رک: ج ۱، صص ۳۱۲ و ۳۱۳، ح ۲ و ۳؛ ص ۳۱۵، سند ذیل ح ۴ و ح ۵؛ صص ۳۱۶ و ۳۱۷، ح ۸ و ۹؛ صص ۵۳۰ و ۵۳۱، ح ۳-۲؛ صص ۱۱۳ و ۱۱۴، ح ۴-۲؛ ج ۳، صص ۳۱۸ و ۳۱۹، ح ۹-۱۱؛ صص ۳۷۱-۳۷۳، ح ۶-۴؛ صص ۳۹۷ و ۳۹۸، ح ۲۰-۲۲؛ صص ۴۴۸ و ۴۴۹، ح ۲-۴؛ صص ۴۵۲ و ۴۵۳، ح ۵-۷؛ صص ۴۹۲-۴۹۴، ح ۳-۱؛ صص ۵۱۱-۵۱۳، ح ۱-۳، صص ۵۵۲ و ۵۵۳، ح ۷-۹؛ صص ۶۳۵-۶۳۷، ح ۷-۹؛ صص ۶۷۲ و ۶۷۳، ح ۱۴-۱۲؛ ج ۴، صص ۴۱ و ۴۲، ح ۲-۴؛ صص ۴۶ و ۴۵، ح ۱۳-۱۵؛ ص ۲۹۱ و ۲۹۰، ح ۱-۳؛ ص ۳۱۰ و ۳۰۹، ح ۳-۵؛ صص ۳۳۱-۳۳۳، ح ۸-۱۰؛ صص ۴۲۹-۴۲۴، ح ۱۳ و ۱۲ و ۱۰؛ صص ۴۷۳-۴۷۷، ح ۳-۵؛ صص ۵۳۳-۵۳۵، ح ۱۱-۱۳؛ صص ۵۵۸-۵۶۰، ح ۱۹-۲۱؛ صص ۶۸۶-۶۸۴، ح ۱-۳؛ ص ۷۴۹، ح ۸-۱۰؛ صص ۵۴۷-۵۴۹، ح ۵-۷؛ ص ۵۷۱ و ۵۷۰، ح ۳-۵؛ ج ۶، صص ۱۳۷ و ۱۳۶، ح ۱-۳؛ ص ۵۹۱ و ۵۹۰، ح ۶-۴ و ...
۳. رک: ج ۳، صص ۳۲۷-۳۲۴، ح ۶-۹؛ صص ۳۵۹-۳۶۱، ح ۸-۱۱؛ صص ۴۲۱-۴۱۹، ح ۷-۱۰؛ صص ۴۶۳-۴۶۵، ح ۱۳-۱۰؛ صص ۵۰۴-۵۰۲، ح ۴-۱؛ صص ۵۰۴-۵۰۲، ح ۴-۱؛ صص ۵۱۹ و ۵۱۸، ح ۱۶-۱۳؛ صص ۵۶۲-۵۶۵، ح ۷-۴؛ صص ۶۰۹-۶۰۵، ح ۳۱-۲۸؛ صص ۷۴۱ و ۷۴۰، ح ۷-۴؛ ج ۹، صص ۶۶۳-۶۶۰، ح ۴-۱؛ ج ۱۱، صص ۱۷۵-۱۷۲، ح ۵-۲؛ صص ۴۱۵-۴۱۱، ح ۸-۵؛ ج ۱۲، صص ۱۴۷-۱۴۵، ح ۴-۱؛ صص ۵۸۴-۵۸۲، ح ۸-۵؛ صص ۷۹۱-۷۸۹، ح ۲۱-۱۸؛ ج ۱۳، صص ۱۴-۱۲، ح ۱۱-۱۴؛ صص ۵۸ و ۵۷، ح ۱۳-۱۰؛ صص ۸۷ و ۸۶، ح ۵-۲؛ صص ۱۳۷ و ۱۳۶، ح ۹-۶؛ صص ۱۴۷-۱۴۵، ح ۶-۳؛ صص ۳۰۰-۲۹۸، ح ۲-۶؛ صص ۵۰۱-۴۹۹، ح ۶-۳؛ ج ۱۵، صص ۵۷۸-۵۷۵، ح ۳۶۶-۳۶۳؛ صص ۷۴۲-۷۳۹، ح ۵۲۲ و ۵۲۱ و ۵۲۰ و ۵۱۸.
۴. رک: ج ۱، صص ۱۲۸ و ۱۲۷، ح ۶-۲؛ ج ۲، صص ۶۷۳ و ۶۷۲، ح ۶-۲؛ ج ۳، صص ۲۹۵-۲۹۲، ح ۵-۱؛ صص ۳۲۱-۳۱۸، ح ۱۳-۹، صص ۵۴۴-۵۴۰، ح ۱ و دو حدیث ذیلش و ح ۲ و حدیث ذیلش؛ ج ۱۵، صص ۲۱۸-۲۱۴، ح ۵۱-۴۷.
۵. رک: ج ۳، صص ۳۴۶-۳۴۰، ح ۱۸-۱۳؛ صص ۵۲۶-۵۲۴، ح ۶-۱؛ ج ۱۵، صص ۵۳۲-۵۲۹، ح ۸-۳۰۳.
۶. رک: ج ۹، صص ۲۰۰-۱۹۶، ح ۱۱-۵.
۷. رک: ج ۴، صص ۲۷۳-۲۷۰، ح ۱۲-۴.
۸. رک: ج ۴، صص ۴۴۶-۴۳۷، ح ۳۴-۲۳ (به جزء حدیث ۲۶).

البته خاطر نشان نمودن این مطلب مهم است که باید کسی که روایت را در کتاب دیگری به کار می برد با جابجا نمودن نادرست احادیث، سیاق را به هم نزنند. برای مثال محمد بن حسن طوسی روایات ذیل را از الکافی نقل می کند:

«۲۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا: ...

۲۲. وَ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ ذَرَّاجٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحَدِهِمَا: ...

۲۳. وَ عَنْهُ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَبِي الْمَعْرُوفِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ: ...

۲۴. وَ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ...» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۹۴ و ۱۹۵).

سیاق در این احادیث نشان می دهد که ضمیر در حدیث ۲۴ به محمد بن یعقوب کلینی برمی گردد (بهبودی، بی تا، ص ۱۰۶) ولی باید گفت که چنین نیست، زیرا محمد بن حسن طوسی با انداختن یک روایت از بین احادیث ۲۳ و ۲۴ سیاق را به هم زده و باعث بدفهمی شده است. اصل روایات در کتاب الکافی این گونه آمده است:

«۵. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَبِي الْمَعْرُوفِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ: ...
۶. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ: ...

۷. وَ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۷۴).

روشن است که حدیث ششم بر حدیث پنجم معلق شده است یعنی سند این گونه بوده «عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد بن محمد بن سنان ...» و حدیث هفتم بر حدیث ششم

تعلیق یافته، بنابراین بازسازی سند این گونه می‌باشد: «عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد عن علی بن النعمان» و مرجع ضمیر، احمد بن محمد است نه محمد بن یعقوب (بهبودی، بی تا، ص ۱۰۵).

بنابراین یکی از کاستی‌های سیاق، برهم خوردن آن توسط دیگران است که حدیث پژوه باید بدان توجه داشته باشد. باید گفت هر یک از قرآینی که خواهد آمد ممکن است با موارد نقض یا موانعی روبرو باشد. نگارنده به این مهم توجه دارد، لیکن تنها به بیان یکی از موانع در قرینه اول بسنده نموده زیرا گنجایش مقاله محدود بوده و نگارنده با انتخاب کلمه «قرینه» درصدد بوده است این مطلب را القا نماید که در نظام قرآین، کارایی قرینه‌ها همیشگی نیست زیرا که ممکن است قرینه‌ی قوی‌تر مانع قرینه ضعیف‌تر گشته یا مورد نقضی برای آن پیدا شود.

۲-۱-۲. سلسله اسناد مشابه

تعداد قابل توجهی از اسناد الکافی از آغاز تا پایان سند یا در بیش از دو راوی با یکدیگر^۹ مشترک هستند (دلبری، ۱۳۹۵ش، ص ۳۰۱) که این مطلب می‌تواند به عنوان قرینه‌ای در کشف مرجع در اسناد ضمیری به کار آید همان گونه که برخی از چنین اسنادی به عنوان قرینه بهره جستند (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، پاورقی ص ۱۲۵، ۱۹۶، ۳۲۱، ۴۵۰، ۴۹۷، ۷۶۲؛ ج ۴، پاورقی ص ۱۶۴، ج ۵، پاورقی ص ۵۶۲؛ ج ۶، پاورقی ص ۳۸۷؛ ج ۷، پاورقی ص ۲۲۸؛ ج ۸، پاورقی ص ۶۴؛ ج ۱۰، پاورقی ص ۵۸۵؛ ج ۱۳، پاورقی صص ۵۰ و ۱۴۰؛ ج ۱۵، پاورقی ص ۷۴۵؛ شبیری زنجانی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، صص ۱۵۲، ۲۴۹).

برای نمونه مرحوم کلینی این بخش از سلسله سند «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ...» در ۲۱۲۳ سند تکرار کرده است (ر.ک: نرم افزار درایه النور) که خود قرینه‌ای است که حدیث‌شناس را به کشف مرجع ضمیر ۳۶ سند ضمیری با این عبارت «عَنْهُ عَنِ أَبِيهِ

۹. اگر در دو راوی مشترک بوده و دارای کثرت باشند؛ داخل در بخش «کثرت نقل یک راوی از راوی دیگر» است که در ادامه مقاله می‌آید.

عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ... راهنمایی می‌کند (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۰۰، ح ۸؛ ص ۱۱۱، ح ۱۲؛ ص ۲۰۲، ح ۱۰؛ ص ۲۱۴، ح ۷؛ ص ۲۶۹، ح ۶؛ ص ۳۵۶، ح ۲؛ ص ۴۳۷، ح ۲؛ ص ۴۶۹، ح ۷؛ ص ۶۶۴، ح ۹ و ۱۰؛ ص ۶۶۹، ح ۲؛ ج ۳، ص ۲۹، ح ۸؛ ص ۶۲، ح ۴؛ ص ۱۲۲، ح ۲ که دو سند است؛ ص ۳۰۳، ح ۸؛ ص ۳۶۵، ح ۷؛ ص ۴۳۲، ح ۲، ص ۴۴۷، ح ۱۹؛ ج ۴، ص ۴۷، ح ۶؛ ص ۱۴۰، ح ۲؛ ج ۵، ص ۶۰، ح ۳؛ ص ۲۴۲، ح ۲؛ ج ۶، ص ۲۴۹، ح ۳؛ ج ۷، ص ۲۲، ح ۲؛ ص ۳۰، ح ۲ که پنج سند است؛ ص ۴۸، ح ۵؛ ص ۴۹، ح ۶؛ ص ۹۸، ح ۳ و ۴).

در فسحت این مقال، آوردن تمام ارجاعات نمی‌گنجد و آن را مجالی دیگر باید. بویژه اگر در این راستا، به احادیث مشابه مکرر الکافی اکتفا نشود. از این رو تنها به نقل آدرس آنها بسنده می‌شود:

۱) زنجیره سند «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ» در فهم مرجع ۴۴ سند ضمیری (ج ۲، ص ۳۸، ح ۵؛ ص ۴۶، ح ۲؛ ص ۴۸، ح ۴؛ ص ۶۲، ح ۱۲ و ۱۳؛ ص ۷۷، ح ۵؛ ص ۱۴۱، ح ۵؛ ص ۱۴۵، ح ۶؛ ص ۱۴۹، ح ۶؛ ص ۱۶۶، ح ۲؛ ص ۱۸۱، ح ۱۳؛ ص ۱۹۸، ح ۷؛ ص ۲۳۹، ح ۳؛ ص ۲۶۹، ح ۳؛ ص ۳۰۸، ح ۶ و ...).

۲) زنجیره سند «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَىٰ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَبُوبٍ» در کشف مرجع ۱۲ سند ضمیری (ج ۱، ص ۳۸، ح ۴؛ ص ۵۶، ح ۵؛ ج ۲، ص ۲۰۶، ح ۴؛ ص ۲۲۳، ح ۷؛ ص ۲۵۳، ح ۸؛ ص ۲۷۱، ح ۱۴؛ ج ۷، ص ۱۱۱، ح ۳ و ...).

۳) زنجیره سند «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَىٰ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ» در درک مرجع ۷ سند ضمیری (ج ۲، ص ۱۹۷، ح ۴؛ ص ۲۰۹، ح ۱؛ ص ۲۲۲، ح ۵ و ۲؛ ص ۴۱۹، ح ۱؛ ص ۵۹۰، ح ۳۰؛ ج ۶، ص ۲۷۰، ح ۱۱).

۴) زنجیره سند «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ» در فهم مرجع ۶ سند ضمیری (ج ۲، ص ۴۹۱، ح ۲، ص ۶۶۲، ح ۲؛ ج ۶، ص ۳۳۵، ح ۲، ج ۷، ص ۳۰۷، ح ۱۸؛ ص ۳۵۴، ح ۱۵؛ ج ۸، ص ۳۰۷، ح ۴۷۷).

۵) زنجیره سند «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانَ» در آشکار ساختن ۵ سند ضمیری (ج ۲، ص ۳۱۵، ح ۵؛ ص ۳۲۵، ح ۱۱؛ ص ۳۵۴، ح ۲؛ ص ۴۳۵، ح ۲؛ ج ۴، ص ۵۲۹، ح ۶).

۶) زنجیره سند «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ» در فهم ۱۳ سند ضمیری (ج ۲، ص ۲۵۳، ح ۹؛ ص ۴۸۳، ح ۱۰؛ ص ۴۹۳، ح ۱۱؛ ص ۵۰۷، ح ۳؛ ص ۵۲۳، ح ۵؛ ص ۵۷۹، ح ۶؛ ص ۵۸۰، ح ۱۲؛ ج ۵، ص ۵۲، ح ۳؛ ج ۶، ص ۱۱، ح ۲؛ ص ۳۶۲، ح ۲؛ ج ۷، ص ۲۶۹، ح ۴۴؛ ج ۸، ص ۸۷، ح ۵۱؛ ص ۳۳۴، ح ۵۲۲).

۷) زنجیره سند «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ» در دریافت مرجع ۳ سند ضمیری (ج ۲، ص ۱۷۹، ح ۲ و ۳؛ ج ۵، ص ۴۳۸، ح ۳).

۸) زنجیره سند «الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ» در فهم یک سند ضمیری (ج ۲، ص ۱۹۴، ح ۸).

۹) زنجیره سند «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ» در فهم ۱ سند ضمیری (ج ۶، ص ۴۰۱، ح ۷).

۱۰) زنجیره سند «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ» در فهم ۱ سند ضمیری (ج ۷، ص ۴۸، ح ۳).

۱۱) زنجیره سند «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ» در فهم ۳ سند (ج ۲، ص ۴۷۷، ح ۵؛ ج ۳، ص ۳۰۹، ح ۲؛ ص ۳۱۰، ح ۳؛ ص ۵۲۵، ح ۴).

۲-۱-۳. شیخ روایت و راوی

شیخ روایت و راوی یکی از قراین کشف مرجع ضمائر در اسناد ضمیری است که در این راستا بسیار راهگشاست. از این رو برخی از این قرینه سود جسته و مواردی را روشن نموده‌اند (ر.ک: شبیری زنجانی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، صص ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۶۹؛ ج ۲، ص ۷۰؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، پاورقی ص ۲۶۷؛ ج ۴، پاورقی ۳۲۱ و ۴۵۷). در اینجا نمونه‌ای بیان و به جهت تنگنای مقاله، شرح مثالی سامان می‌یابد.

الف) کلینی در باب «الْحُبِّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضِ فِي اللَّهِ» اسناد ششم تا نهم را این گونه فراز

می آورد:

۶. «عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ يَحْيَى - فِيمَا أَعْلَمَ - عَنْ عَمْرِو بْنِ مُدْرِكِ الطَّائِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ...
۷. عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عُمَرَ بْنِ جَبَلَةَ الْأَحْمَسِيِّ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ...
۸. عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ...

۹. عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ...» (کلینی،

۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۳۲۷-۳۲۴).

پاره‌ای در ذیل این اسناد نگاشته‌اند:

«ضمایر در تمام اسناد بالا به احمد بن ابی عبدالله برمی گردد ... زیرا
نضر بن سوید، شیخ محمد بن خالد بوده و محمد بن علی و علی بن
حسان، از مشایخ احمد بن ابی عبدالله هستند» (شیری زنجانی،
۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۲۷).

در ادامه چند نمونه دیگر به صورت اجمال معرفی می شوند:

- شیخ بودن علی بن الحکم برای احمد بن محمد بن عیسی در اسناد ۱۵۳۵، ۱۷۰۵،
۱۹۰۶، ۱۹۰۷، ۱۹۰۸، ۱۹۰۹، ۱۹۱۰، ۱۹۳۸، ۱۹۷۷، ۱۹۷۹، ۱۹۹۷، ۱۹۹۸، ۲۰۲۰، ۲۰۵۷،
۲۰۷۵ و سند تذیلی شماره ۳۲۰۱ (به ترتیب: کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۱۱۶، ح ۴؛ ص ۲۳۷،
ح ۱۶؛ ص ۳۴۰، ح ۱۴؛ ص ۳۴۱، ح ۱۵؛ ص ۳۴۳، ح ۱۶ و ۱۷ و ۱۸؛ ص ۳۶۵، ح ۲؛ ص ۳۸۷،
ح ۴؛ ص ۳۸۸، ح ۶؛ ص ۳۹۹، ح ۲۴ و ۲۵؛ ص ۴۱۳، ح ۱۴؛ ص ۴۳۲، ح ۲؛ ص ۴۹۹، ح ۴؛ ج ۴،
ص ۳۶۸، سند ذیل ح ۴).

- شیخ بودن محمد بن سنان برای احمد بن محمد بن عیسی در اسناد ۱۸۰۰، ۱۸۰۱،
۱۷۵۵، ۱۹۴۸، ۲۰۷۴، سند ذیل حدیث شماره ۲۲۱۵، ۳۴۶۷ و ۱۱۵۶۱ (به ترتیب: کلینی،

- ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۲۸۳، ح ۳ و ۴؛ ص ۲۶۱ و ۲۶۲، ح ۱۱؛ ص ۳۷۰، ح ۲؛ ص ۴۴۸، ح ۳؛ ص ۵۳۱، ح ۱؛ ج ۴، ص ۵۷۰، ح ۳۰؛ ج ۱۲، ص ۲۹۳، ح ۱۱).
- شیخ بودن حسن بن محبوب برای احمد بن محمد بن عیسی در اسناد ۱۸۲۱، ۱۸۲۲، ۱۸۵۱، ۱۹۶۱، ۱۹۷۸، ۲۲۷۰، ۱۵۲۲۳ (به ترتیب ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۲۹۳، ح ۲ و ۳؛ ص ۳۰۸، ح ۵؛ ص ۳۷۷، ح ۱۵؛ ص ۳۸۷، ح ۵؛ ج ۴، ص ۸۹، ح ۳؛ ج ۱۵، ص ۶۲۰، ح ۴۰۸).
- شیخ بودن حسن بن علی بن فضال نسبت به احمد بن محمد بن عیسی در (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۳۷۰، ح ۳؛ ص ۶۴۴، ح ۲۴؛ ج ۴، ص ۳۳۲، ح ۹؛ ج ۱۳، ص ۴۶، ح ۲؛ ص ۱۳۹، ح ۱۲).
- شیخ بودن بکر بن صالح برای احمد بن محمد بن عیسی در (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۲۶۲، ح ۱۲؛ ص ۴۸۳، ح ۴).
- شیخ بودن عبدالله الحجال نسبت به احمد بن محمد بن عیسی در (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۲۶۲، ح ۱۳).
- شیخ بودن قاسم بن یحیی برای احمد بن محمد بن عیسی در (کلینی، ۱۴۲۹ق، ص ۲۶۷، سند ذیل ح ۱).
- شیخ بودن عثمان بن عیسی برای احمد بن محمد بن عیسی در (کلینی، ۱۴۲۹ق، ص ۲۶۷، ح ۲، ص ۲۶۹، ح ۲، ص ۲۹۴، ح ۴، ص ۵۷۱، ح ۱۴).
- شیخ بودن ابن ابی عمیر نسبت به احمد بن محمد بن عیسی در (کلینی، ۱۴۲۹ق، ص ۳۶۶، ح ۳، ص ۴۹۳، ح ۲، ص ۴۹۴، ح ۳، ج ۴، ص ۵۰۴، ح ۱۱).
- شیخ بودن علی بن نعمان نسبت به احمد بن محمد بن عیسی در (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۲۸۳، ح ۳، ص ۴۰۵، ح ۲).

- شیخ بودن حسن بن علی و شاء نسبت به احمد بن محمد بن عیسی در سند (کلینی، ۱۴۲۹ق، ص ۴۰۰، ح ۲۶).
- شیخ بودن سعید بن جناح ازدی نسبت به احمد بن محمد بن عیسی در (کلینی، ۱۴۲۹ق، ص ۷۶۲، ح ۲).
- شیخ بودن هیثم بن ابی مسروق نسبت به احمد بن محمد بن عیسی در (کلینی، ۱۴۲۹ق، ص ۲۹۴، ح ۵).
- شیخ بودن عبدالله بن صلت نسبت به احمد بن محمد بن عیسی در (کلینی، ۱۴۲۹ق، ص ۲۷۳، ح ۱۲).
- شیخ بودن هارون بن جهم نسبت به محمد بن خالد و عثمان بن عیسی برای احمد بن ابی عبدالله نسبت به (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۲۵۲ و ۲۵۱، ح ۲۳، ص ۲۵۲، ح ۲۴ و ۲۵).
- شیخ بودن علی بن الحکم نسبت به احمد بن محمد بن خالد در (کلینی، ۱۴۲۹ق، ص ۳۱۹، ح ۱۲).
- شیخ بودن عبدالله بن القاسم نسبت به محمد بن خالد در (کلینی، ۱۴۲۹ق، ح ۱۱).

۲-۲. قراین خارجی

مراد از قراین خارجی، آن قرینه‌هایی است که در برون از سند ضمیری و سندی که مرجع ضمیر در آن قرار یافته، وجود دارد؛ مانند تصریح اندیشمندی بر مرجع ضمیر یا بازیافتن سند در کتابی دیگر یا روایت‌گری یک راوی، کتاب شخص دیگری را و... این‌ها نشانه‌هایی است از بیرون، که حدیث‌شناس را در تشخیص مرجع ضمیر رهنمون می‌شود.

۲-۲-۱. تصریح بزرگان

پاره‌ای از بزرگانی که قبل و بعد از کلینی می‌زیستند با بیان مرجع اسناد ضمیری، راهی برای کشف آنها گشوده‌اند. در اینجا نمونه‌ای بیان و دیگر موردها ارجاع داده می‌شود.

کلینی در باب هشتم از «ابواب التاریخ»، سند تزیلی را بعد از سند عادی این گونه آورده است: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُثَنَّى الْحَنَاطِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ: ... قَالَ: فَحَدَّثْتُ ابْنَ أَبِي عُمَيْرٍ بِهَذَا فَقَالَ: أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا حَقٌّ كَمَا أَنَّ النَّهَارَ حَقٌّ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۵۲۴).

محمد بن حسن صفار (د ۲۹۰ق) دقیقاً همین حدیث را، این گونه می آورد: «حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُثَنَّى الْحَنَاطِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ أَبِي جَعْفَرٍ ... قَالَ عَلِيُّ: فَحَدَّثْتُ بِهِ ابْنَ أَبِي عُمَيْرٍ، فَقَالَ: أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا حَقٌّ كَمَا أَنَّ النَّهَارَ حَقٌّ» (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۶۹).

با اظهار مرجع ضمیر توسط صفار، مرجع ضمیر در سند تزیلی حدیث الکافی، مشخص گشته و بازسازی این سند بدین سان است: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ [تعلیق] قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحَكَمِ [ضمیر] فَحَدَّثْتُ ابْنَ أَبِي عُمَيْرٍ». بسیاری از اندیشمندان از تصریح صفار، در جهت کشف مرجع سند ضمیری مذکور بهره جسته‌اند (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، پاورقی ص ۵۲۴؛ شبیری زنجانی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۹۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۰؛ تبریزی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۱۰۹، پاورقی ح ۹۲۸۹).

موارد دیگری که با پی جویی اسناد ضمیری روایات الکافی در دیگر کتب با تصریح بزرگان می توان مرجع ضمیر آنها را کشف کرد عبارتند از:

- مرجع ضمیر سند ۲۶۴ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۲۴۱) با مراجعه به کتاب التوحید (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ص ۱۱۰، ح ۷)،

- مرجع ضمیر سند ۵۱۲۸ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۶، ص ۲۳۶) با مراجعه به کتاب ثواب الاعمال (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص ۱۶۴)،

- مرجع ضمیر سند ۱۳۲۸۲ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۳، ص ۴۶۵) با مراجعه به من لا یحضره الفقیه (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۲۳۱، ح ۵۵۴۸)،

- مرجع اسناد ۱۳۸۱۰، ۷۸۲۵، ۱۰۷۸۹ و ۱۲۲۶۰ (به ترتیب کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۴، ص ۱۰۸، ج ۴؛ ج ۹، ص ۸۵ ح ۳؛ ج ۱۱، ص ۵۵۷، ج ۹؛ ج ۱۲، ص ۶۸۹، ح ۱۱) با رجوع به تهذیب الاحکام (به ترتیب طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۹۶، ح ۴۶؛ ج ۵، ص ۲۶۳، ح ۱۱؛ ج ۸، ص ۱۳۲، ح ۵۶؛ ج ۹، ص ۱۰۸، ح ۲۰۲)،
- سند ذیل ۱۲۹۹۱ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۳، ص ۲۶۲، ذیل ح ۹) با رجوع به المحاسن (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۶۲۶، سند ذیل ح ۸۹)،
- دو حدیث ذیل ۱۳۲۵ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۶۰۴) با مراجعه به الارشاد (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۰۴)،
- مرجع سند ۱۷۸۰ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۲۷۳، ح ۱۲) با مراجعه به الوافی (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۴۳۰، ح ۲۲۵۹)،
- مرجع سندهای ۲۱۳۱ و ۲۰۳۲ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۴۸۳، ح ۴؛ ج ۳، ص ۴۱۹، ح ۵) با رجوع به بحار الانوار (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۲۸۹، ح ۱۷؛ ص ۳۳۹، ح ۱۲۰)،
- مرجع سند ۲۱۴۲ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۴۹۲، ح ۱۵) با مراجعه به معجم رجال الحدیث (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۵۰۷).
- مرجع سندهای ۱۹۶۳، ۱۹۷۷، ۱۹۷۸، ۱۹۷۹، ۱۹۸۲، ۱۰۵۱۶، ۱۱۴۳۸، ۱۲۹۹۱ و ۱۴۶۲۶ (به ترتیب کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۳۷۹، ح ۱۷؛ ص ۳۸۷، ح ۴ و ۵ و ۶ و ۹؛ ج ۱۱، ص ۳۹۳، ح ۴؛ ج ۱۲، ص ۲۰۲، ح ۱۲؛ ج ۱۳، ص ۲۶۲، ح ۹؛ ج ۱۴، ص ۶۵۸، ح ۴) با رجوع به وسائل الشیعه (به ترتیب ر.ک: حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۲۸۴، ح ۲۰۵۲۷؛ ج ۲۱، ص ۵۳۴، ح ۲۷۷۸۷، ج ۲۴، ص ۲۶۹، ح ۳۰۵۱۵؛ ج ۲۱، ص ۵۳۴، ح ۲۷۷۷۸؛ ص ۵۳۹، ح ۲۷۸۰۲؛ ص ۴۲۳، ح ۲۷۴۷۸؛ ج ۲۴، ص ۵۴، ح ۲۹۹۷۴؛ ج ۲۷، ص ۲۲۹، ح ۳۳۶۵۷)،

- مرجع سند حدیث ۱۴۷۸۴ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۴، ص ۷۷۱، ح ۱۵) با مراجعه به الموسوعه الرجالیة (تبریزی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۴۵۵، ح ۸۰۸۷) مشخص می‌گردد. لازم به ذکر است که کتاب الموسوعه الرجالیة، بسیار در این راستا مفید است که به کمک آن می‌توان مرجع ضمیر ده‌ها حدیث را کشف کرد. در اینجا به جهت تنگنای مقاله به عنوان نمونه تنها به شماره سلسله‌وار بیست حدیث از کتاب الکافی بسنده کرده و سپس به ترتیب آدرس‌های آن از کتاب الموسوعه الرجالیة آورده می‌شود:

شماره حدیث‌های ۳۷۸، ۵۱۶، ۱۶۶۵، ۲۱۵۱، ۲۲۱۶، ۲۳۷۵، ۲۴۱۳، ۲۸۸۹، ۳۱۳۹، سند ذیل ۳۲۰۱، ۳۴۰۸، ۴۳۳۵، ۷۶۵۰، ۹۴۶۷، ۱۰۱۷۴، ۱۰۲۸۱، ۱۰۴۸۹، ۱۱۸۹۹، ۱۱۹۹۸ و ۱۲۱۰۱ (به ترتیب: کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۲۸، ح ۵۴۶۱؛ ج ۱، ص ۳۳۲، ح ۱۳۳۹؛ ج ۱، ص ۹۰، ح ۹۹؛ ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۸۲۹؛ ج ۳، ص ۸۵، ح ۵۸۳۵؛ ج ۳، ص ۲۸۶، ح ۷۰۶۵؛ ج ۴، ص ۲۳۹، ح ۱۰۰۷۶؛ ج ۴، ص ۱۹۸، ح ۹۸۲۵؛ ج ۳، ص ۲۸۶، ح ۷۰۶۸؛ ج ۳، ص ۳۲۶، ح ۷۴۰۶؛ ج ۳، ص ۵۴۷، ح ۸۵۶۷؛ ج ۴، ص ۴۶۸، ح ۱۱۴۴۸؛ ج ۱، ص ۱۴۷، ص ۴۳۱؛ ج ۴، ص ۲۵۸، ح ۱۰۱۷۸؛ ج ۴، ص ۲۸۰، ح ۱۰۳۰۶؛ ج ۴، ص ۲۳۳، ح ۱۰۰۳۸؛ ج ۴، ص ۲۷۲، ح ۱۰۲۵۷؛ ج ۴، ص ۲۸۰، ح ۱۰۳۰۱؛ ج ۴، ص ۱۱۹، ح ۹۳۴۷؛ ج ۴، ص ۲۰۰، ح ۹۸۳۹).

۲-۲-۲. بودن سند در کتابی دیگر

گاهی عین سند ضمیری که در کتاب الکافی برآمده، در کتاب دیگری می‌یابیم که از این طریق می‌توان، مرجع ضمیر را تشخیص داد. صد البته باید گفت که وحدت مفاد (متن) حدیث برای کشف مرجع ضمیر در این قرینه، شرط است و بدون آن نمی‌توان به قرینه بودن سندی در کتابی دیگر اطمینان پیدا نمود. برای نمونه کلینی در باب «الحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِي اللَّهِ» اسناد یازده و دوازدهم را این‌گونه فراز می‌آورد.

۱۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ الْعَرَزِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَابِرِ

الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ...

۱۲. عَنْهُ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْوَاسِطِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبَانَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ رَجُلًا لِلَّهِ لِأَنَّهُ عَلَى حُبِّهِ إِيَّاهُ وَإِنْ كَانَ الْمَحْبُوبُ فِي عِلْمِ اللَّهِ مِنْ أَهْلِ النَّارِ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَبْغَضَ رَجُلًا لِلَّهِ لِأَنَّهُ عَلَى بُغْضِهِ إِيَّاهُ وَإِنْ كَانَ الْمُبْغُضُ فِي عِلْمِ اللَّهِ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ». (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۳۲۸، ح ۱۲ و ۱۱).

احمد بن محمد بن خالد برقی (د ۲۷۴ یا ۲۸۰ق) عین سند دوازدهم با همان متن را این گونه آورده است: «عَنْهُ [أحمد بن أبي عبدالله البرقي] ۱۰ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْوَاسِطِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبَانَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ رَجُلًا لِلَّهِ لِأَنَّهُ عَلَى حُبِّهِ إِيَّاهُ وَإِنْ كَانَ الْمَحْبُوبُ فِي عِلْمِ اللَّهِ مِنْ أَهْلِ النَّارِ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَبْغَضَ رَجُلًا لِلَّهِ لِأَنَّهُ عَلَى بُغْضِهِ إِيَّاهُ وَ لَوْ كَانَ الْمُبْغُضُ فِي عِلْمِ اللَّهِ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۶۵، ح ۳۴۲).

دیدن تمام اسناد ضمیری کلینی در دیگر کتب، مجال دیگری می طلبد در اینجا تنها اسناد ضمیری الکافی که در کتاب المحاسن آمده و با همدیگر هم مضمون بودند؛ شمارش شده که در ۲۳ سند ضمیری اثربخش افتاد. در اینجا تنها به شماره اسناد بسنده می شود: اسناد ۱۵۳۷، ۱۸۸۴، ۱۸۸۵، ۱۸۹۱، ۲۱۸۷، ۲۱۸۸، ۲۱۸۹، ۳۱۸۲، ۳۲۶۳، ۵۷۳۱، ۱۱۷۶۴، ۱۱۷۶۷، ۱۱۸۰۳، ۱۱۸۹۹، ۱۱۹۳۲، ۱۱۹۹۸، ۱۲۰۲۳، ۱۲۰۳۴، ۱۲۰۳۵، ۱۲۰۷۲، ۱۲۰۸۴، ۱۲۰۸۵، ۱۲۱۴۸ (به ترتیب ر.ک: برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۴۲۷؛ ص ۲۶۴، ح ۳۳۶؛ ص ۲۶۳، ح ۳۳۲ و ۳۳۳؛ ج ۲، ص ۳۹۴، ح ۵۲؛ ص ۳۹۳، ح ۴۴ و ۴۵؛ ج ۱، ص ۹۵، ح ۵۳؛ ص ۳۰، ح ۱۶؛ ص ۲۶۳، ح ۳۳۳؛ ج ۲، ص ۴۶۰، ح ۴۰۳ و ۴۰۹؛ ص ۴۷۵، ح ۴۷۷؛ ص ۴۶۳، ح ۴۲۵؛ ص ۴۸۴، ح ۵۳۱؛ ص ۴۹۲، ح ۵۸۳؛ ص ۵۴۸، ح ۸۷۰؛ ص ۵۴۶، ح ۸۵۹؛ ص ۵۵۱، ح ۸۹۱ و ۸۹۲؛ ص ۴۸۶، ح ۵۴۷؛ ص ۵۱۲، ح ۶۸۷؛ ص ۵۱۳، ح ۶۹۳؛ ص ۵۶۴، ح ۹۶۹).

۱. مرجع این ضمیر و ۳۴۰ ضمیر پیش از آن به احمد بن ابی عبدالله البرقی در آغاز باب العقل برمی گردد (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۹۱، ح ۱).

۲-۳. کثرت نقل یک راوی از راوی دیگر

کثرت نقل یک راوی از راوی دیگر، راهنمایی است که حدیث‌شناس را در تشخیص مرجع ضمیر در اسناد ضمیری یاری می‌رساند. بر عکس، ندرت روایت یک راوی از راوی دیگر، احتمال کشف مرجع ضمیر را دور می‌سازد (شیری زنجانی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۳۱، ذیل احتمال اول) برای اثبات آن نمونه‌ای را بیان و به آدرس دیگر سندهای ضمیری اشاره می‌شود.

کلینی در «بَابُ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ» اسناد دوم و سوم را این گونه می‌آورد:

۲. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ

مُسْكَانَ عَنْ لَيْثِ الْمُرَادِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ...

۳. عَنْهُ عَنْ يَحْيَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَادِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ التَّمَامِيِّ عَنْ عَلِيِّ

بْنِ الْحُسَيْنِ ... (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۱۵۶ و ۱۵۵؛ برای موارد دیگر ر.ک: کلینی،

۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۴۶، ح ۱۰؛ ص ۴۷۶، ح ۱؛ ص ۶۱۸، ح ۴؛ ج ۴، ص ۵۷، ح ۵؛ ص ۵۳۱، ح ۲؛

ج ۶، ص ۲۹۸، ح ۱۴؛ ص ۳۲۰، ح ۱؛ ص ۳۳۷، ح ۲؛ ص ۴۶۲، ح ۴؛ ج ۷، ص ۴۳۴، ح ۴).

برخی در ذیل این دو حدیث گفته‌اند:

«ضمیر در حدیث دوم به احمد بن ابی عبدالله برمی‌گردد؛ زیرا که

ایشان، فراوان از یحیی بن ابراهیم بن ابی البلاد روایت نقل نموده

است ... تا آنجا که همه روایات احمد بن ابی عبدالله از یحیی بن

ابراهیم، در کتاب الکافی مستقیم و بدون واسطه است» (شیری

زنجانی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۱۵).

محققان دارالحدیث همین سخنان را به زبانی دیگر باز گفته (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳،

پاورقی ص ۱۵۶) و شاهد آن را، کثرت نقل احمد بن محمد بن خالد برقی از یحیی بن

ابراهیم دانسته‌اند (ر.ک: برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۶۳، ح ۱۱۲ و ۱۱۳؛ ص ۶۵، ح ۱۲۰؛

ص ۱۳۵، ح ۱۷؛ ص ۲۰۲، سند ذیل ح ۴۲؛ ص ۲۰۳، ح ۴۸، ص ۲۶۶، ح ۳۴۷؛ ص ۲۹۵، ح ۴۶۱؛

ج ۲، ص ۴۰۴، ح ۱۰۷؛ ص ۴۴۰، ح ۳۰۰؛ ص ۴۹۴، ح ۵۹۰؛ ص ۵۰۸، ح ۶۵۶؛ ص ۵۵۹، ح ۹۳۰؛
ص ۶۱۱، سند ذیل ح ۲۸).

اگر با این قرینه به سراغ کتاب الکافی برویم خواهیم دید که مرجع ضمیر ۱۲۴ حدیث
کشف می شود. در ادامه به نام راویانی پرداخته می شود که در اثر کثرت روایات از راویان
دیگر، موجب کشف مرجع ضمیر در اسناد ضمیری شده اند. البته تنها شماره سلسله وار اسناد
ضمیری که مرجع آنها به این وسیله روشن گشته، آورده می شود:

(۱) کثرت نقل احمد بن محمد بن خالد:

از قاسم بن یحیی در سند ۱۹۹۵، ۸۲۸۶ و سند ذیل ح ۱۰۱۵۸؛
از بکر بن صالح، سند شماره های ۱۵۶۲، ۶۰۷۲، ۱۰۴۱۶، ۱۳۰۷۲ و ۱۵۳۰۸؛
از عبدالرحمن بن حماد الکوفی در سند های ۱۹۶۳، ۳۳۰۸ و ۱۲۸۷۴؛
از محمد بن علی ابوسمینه در سند های ۲۰۱۳، ۲۱۰۲، ۲۳۰۴، ۲۳۴۵، ۲۳۸۵، ۲۷۸۳،
۲۷۲۸، ۳۲۹۰، ۳۳۰۹، ۳۳۱۰، ۳۷۳۵، ۳۷۳۸، ۳۷۹۱، ۹۴۵۷، ۱۰۱۵۸، ۱۰۴۸۹ و ۱۱۹۶۴؛
از حسن بن علی بن فضال در سند های ۱۶۱۸، ۱۷۹۵، ۱۸۷۲، ۱۸۹۱، ۱۹۲۸، ۱۹۲۹،
۱۹۴۲، ۲۰۳۶، ۲۰۹۳، ۲۳۰۸، ۲۵۳۵، ۲۶۹۷، ۲۷۵۲، ۳۱۹۶، ۳۳۰۵، ۳۶۳۹، ۳۷۵۵، ۵۷۳۱،
۸۲۸۵، ۸۴۰۷، ۱۱۳۵۵، ۱۱۳۵۶، ۱۱۳۵۷، ۱۲۴۳۸، ۱۲۷۲۹، ۱۲۷۳۶، ۱۲۷۴۶، ۱۴۶۹۰ و
۱۵۲۳۲

از نوح بن شعیب در شماره سند ۲۳۸۸ و ۱۲۴۵۳؛

از یحیی بن ابراهیم بن ابی البلاد در سند شماره ۲۷۲۹؛

(۲) کثرت نقل احمد بن محمد بن عیسی:

از حسین بن سعید اهوازی در شماره سند های ۳۵۸۷، ۸۰۰۵ و ۸۰۰۶؛
از حسن بن علی بن فضال در شماره سند های ۱۹۴۹، ۲۳۷۵، ۳۱۳۸، ۸۵۱۹، ۹۸۷۵،
۱۲۵۰۲ و ۱۲۷۲۱ و ۱۲۷۲۹؛

از ابن محبوب در شماره سند های ۱۷۷۸، ۱۸۲۲، ۱۸۵۱، ۱۹۶۱، ۲۲۱۰، ۲۲۱۶، ۲۲۴۳،

۳۴۴۴، ۳۴۴۵، ۱۲۱۵۸، ۱۲۶۹۹، ۱۴۷۲۹ و ۱۵۲۲۳؛

- از ابن ابی عمیر در سندهای ۱۹۳۹، ۲۱۴۵، ۲۱۴۶ و ۳۳۸۹؛
- از محمد بن سنان در سندهای ۱۷۵۵، ۱۸۰۰، ۱۸۰۱، ۱۹۴۸، ۲۰۷۴، ۳۴۶۷، و ۱۱۵۶۱.
- ۳) کثرت نقل حسن بن محمد بن سماعه از عبدالله بن جبلة در شماره سندهای ۱۰۶۴۸، ۱۰۷۴۳، سند ذیل ح ۱۰۷۸۹، سند ذیل ح ۱۰۹۸۸، ۱۱۰۲۶، ۱۳۲۸۲، ۱۳۴۶۱.
- ۴) کثرت نقل اسماعیل بن مهران از سهل بن زیاد در سندهای ۲۱۰۶ و ۴۶۸۹.
- ۵) کثرت نقل محمد بن خالد از خلف بن حماد، در سندهای ۲۱۶۴ و ۱۲۷۴۷.
- ۶) کثرت روایت محمد بن یحیی العطار از محمد بن احمد بن یحیی بن عمران در شماره سندهای ۹۳۷۸ و ۱۲۶۰۷.
- ۷) کثرت روایت حسن بن محمد بن سماعه از صفوان بن یحیی در شماره سندهای ۱۰۷۴۳ و ۱۰۷۵۰.
- ۸) کثرت نقل حسن بن محمد بن سماعه از وهیب بن حفص در سندهای ۱۰۷۸۹، ۱۳۶۰۹.
- ۹) کثرت نقل ابن محبوب از علاء بن رزین در شماره سند ۱۱۱۳۲؛ از عبدالله بن سنان در سند ۱۴۹۳۲.
- ۱۰) کثرت روایات شریف بن سابق التفلیسی از احمد بن محمد بن خالد در شماره سند ۲۸۲۰.
- ۱۱) کثرت روایات سهل بن زیاد از عبدالرحمن بن ابی نجران، در سند ۳۱۳۲.
- ۱۲) کثرت روایات علی بن الحسن بن الفضال از عمرو بن عثمان خزاز در شماره سند ۵۷۱۸.
- ۱۳) کثرت روایات صفوان بن یحیی از معاویه بن عمار در سند ۷۶۵۰.
- ۱۴) کثرت روایات عبدالرحمن بن ابی نجران از عاصم بن حمید حناط در شماره سند ۹۶۸۴.
- ۱۵) کثرت روایات سهل بن زیاد از علی بن حکم در سند ۱۲۴۵۳.

- ۱۶) کثرت روایات محمد بن احمد بن یحیی بن عمران از حسن بن موسی خشاب
سند ۱۳۶۴۹.
- ۱۷) کثرت روایات یونس بن عبدالرحمن از ابویوب خزاز در سند ۱۳۶۷۶.
- ۱۸) کثرت روایات حسن بن محبوب از هشام بن سالم در سند ۹۷۶.

۲-۲-۴. روایت نمودن شخصی از کتاب مخصوصی

پاره‌ای از روایان دارای کتاب بوده‌اند که از جمله کتب رجال دانسته می‌گردد (برای دانستن عناوین برخی از آنان ر.ک: فهرست الطوسی و رجال النجاشی) که نشان می‌دهد از چه اشخاصی روایت کرده‌اند. حدیث شناسان از این قرینه می‌توانند بهره برده و مرجع ضمائر برخی از اسناد را به دست آورند. برای نمونه شیخ طوسی در ذیل عنوان هارون بن جهم خاطر نشان می‌کند:

«هارون بن جهم دارای کتابی بوده، که به آن، ما را با خبر ساخت
ابن ابی جید از ابن ولید، از سعد و حمیری از احمد بن ابی عبدالله از
پدرش» (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۴۹۶).

علاوه بر دو سند شیخ طوسی نسبت به روایت‌گیری این کتاب توسط محمد بن خالد، نجاشی طریق دیگری را بیان کرده و همین مطلب را تاکید می‌کند (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۴۳۸). دانستن این مطلب در سند ۲۳ و ۲۲ باب شکر به کار می‌آید که در آن کلینی این گونه آورده است:

۲۲. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عُمَانَ بْنِ عَيْسَى عَنْ خَالِدِ بْنِ نُجَيْحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ...

۲۳. عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْجُهْمِ عَنْ حَفْصِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ... (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۲۵۲).

برخی با چنگ زدن به این قرینه که کتاب هارون توسط محمد بن خالد نقل گشته است، در این سند و اسناد دیگری، مرجع ضمیر «عنه» را، أحمد بن ابی عبدالله معرفی کرده‌اند

(کلینی، ۱۴۲۹ق، پاورقی ص ۲۵۱ و ۱۰۰). از این قرینه می توان در اسناد بسیاری فایده برد
به عنوان نمونه:

- روایت گری کتاب نوادر از عمرو بن عثمان (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۸۷)، محسن
بن احمد قیسی (کلینی، ۱۴۲۹ق، ص ۴۲۳)، سندی بن محمد (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۲۹)،
ابی عبدالله الجامورانی (همان، ص ۵۲۹)، جعفر بن محمد بن یونس (نجاشی، ۱۳۶۵ش،
ص ۱۲۰)، منصور بن عباس (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۴۵۹)، اسماعیل بن ابان (نجاشی،
۱۳۶۵ش، ص ۳۲) و علی بن الحکم (همان، ص ۲۷۴) توسط احمد بن محمد بن خالد برقی
به ترتیب در سند های ۱۸۸۲، ۲۳۰۱، ۲۶۹۶، ۳۱۲۱، ۳۴۳۲، ۱۱۸۹۹، ۱۴۹۰۹، و ۱۸۷۴ (به
ترتیب ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۳۱۹، ص ۵۹۸؛ ج ۴، ص ۴۶، ص ۳۲۱، ص ۵۳۴؛ ج ۱۲،
ص ۴۷۶؛ ج ۱۵، ص ۲۹۴؛ ج ۳، ص ۳۱۹).

- روایت گری کتاب اسحاق بن عمار (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۹) و خطاب بن مسلمة
(نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۵۴) توسط ابن ابی عمیر در سند تذیلی ۲۱۴۹ و سند ۲۸۵۷ (به
ترتیب ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۴۹۶؛ ج ۴، ص ۱۴۵).

- روایت کردن کتب سعید بن جناح (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۹۱) و کتاب قاسم بن
سلیمان (همان، ص ۳۱۴) توسط احمد بن محمد بن عیسی در سند ۲۵۷۹، ۳۵۸۷ (به ترتیب
ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۷۶۲؛ ج ۴، ص ۶۶۸).

- روایت کردن کتاب علی بن معبد توسط ابراهیم بن هاشم (طوسی، ۱۴۲۰ق،
ص ۲۶۵) در سند ۳۵۳۰ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۶۳۱).

- روایت کردن کتاب سعدان بن مسلم توسط احمد بن اسحاق (طوسی، ۱۴۲۰ق،
ص ۲۲۶) در سند ۲۱۵۱ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۴۹۷).

- روایتگری کتاب الجامع فی الحلال و الحرام عمرو بن عثمان توسط علی بن حسن
بن فضال (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۸۷) در سند ۵۷۱۸ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۶، ص ۶۶۹).

- روایت کردن کتاب عاصم بن حمید توسط عبدالرحمن بن ابی نجران (طوسی،
۱۴۲۰ق، ص ۳۴۵) در سند ۹۶۸۴ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۰، ص ۷۴۵).

- روایتگری کتب محمد بن موسی بن عیسی همدانی (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ص ۳۳۸) توسط محمد بن یحیی در سند ۱۲۰۹۴ (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۱۲، ص ۵۵۸).
- روایتگری کتاب معلی بن محمد البصری توسط حسین بن محمد الاشعری (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ص ۴۱۸) در سند ۵۱۶ (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۱، ص ۴۷۷).
- روایت کردن کتاب نضر بن سوید توسط محمد بن خالد (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ص ۳۴۵) در سند ۱۵۲۵ (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۳، ص ۱۰۰).

۲-۲-۵. عدم رجوع ضمیر جز به یک راوی خاص

گاهی حدیث شناس با استدلال‌های گونه‌گون ثابت می‌کند که مرجع ضمیر نمی‌تواند جز به فلان راوی برگردد. به عبارت دیگر حدیث پژوه استدلالاتی بیان می‌کند که مرجع ضمیر، راوی «الف» نمی‌تواند باشد زیرا اطلاعات تاریخی بیان می‌کند که ایشان در آن تاریخ زنده نبوده (اعم از این که متولد نشده یا فوت کرده است) یا مرجع ضمیر نمی‌تواند راوی «ب» باشد زیرا اطلاعات رجالی گوید راوی بعدی در هیچ حدیثی از ایشان روایت نقل ننموده است یا داده‌های جغرافیایی گوید که راوی «ج» نمی‌تواند مرجع ضمیر قرار گیرد زیرا او اصلاً به فلان سرزمین نرفته در حالی که راوی بعدی از آن سرزمین خارج نشده است.

بنابراین مقصود آن است که حدیث شناس با آوردن استدلالات تاریخی، رجالی و... پازلی را بچیند که تنها یک قطعه بتواند در جای خالی قرار گرفته و مرجع ضمیر منحصر به یک شخص گردد. به عنوان مثال کلینی در باب «الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ» اسناد هفده تا نوزده را این گونه بر آورده است:

«۱۷. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبِي الْأَحْمَرِ عَنْ

عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ نُعَيْمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ: ...

۱۸. عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الرَّيَّانِ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ

الدَّهْقَانِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا فَقَالَ لِي: ...

۱۹. عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ صَالِحِ الْأَسَدِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ...» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، صص ۳۵۸-۳۵۵).

در احادیث فوق مرجع ضمیر نمی تواند علی بن الریان یا عبیدالله بن عبدالله بن الدهقان باشد؛ زیرا اولی در طبقه امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) است (ر.ک: طوسی، ۱۳۷۳ش، صص ۴۰۰ و ۳۸۹) و دومی هم در طبقه بعد از این می زیسته است، زیرا که روایت گر کتاب او محمد بن عیسی بن عبید است که در طبقه امام رضا (ع) تا امام حسن عسکری (ع) می باشد (ر.ک: طوسی، ۱۳۷۳ش، صص ۳۶۷ و ۳۹۱؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش، صص ۳۳۳)، در حالیکه محمد بن علی کوفی که ابو سمینه است در طبقه امام رضا (ع) زندگی می کند.

حال چند احتمال در مرجع ضمیر پیش می آید. مرجع ضمیر یا علی بن محمد یا احمد بن حسین است. احتمال اول مردود است؛ زیرا ایشان از مشایخ محمد بن علی نیست (ر.ک: نرم افزار درایه النور). احتمال دوم نیز درست نیست؛ زیرا در هیچ روایتی پیدا نشد که احمد بن حسین از علی بن محمد روایت نقل نموده باشد. از این رو باید مرجع ضمیر در سند پیشین جسته شود و از آن رو که محمد بن علی از مشایخ محسن بن احمد و ابان و عبدالسلام بن نعیم نبوده (ر.ک: نرم افزار جامع الاحادیث)، ولی محمد بن علی از مشایخ احمد بن محمد بن خالد است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۳۸، ح ۶) و همچنین عین همین روایت با همین سند در کتاب المحاسن آمده است (ر.ک: برقی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، صص ۹۵، ح ۵۳) بنابراین مرجع سند به احمد بن محمد در سند قبلی باز می گردد (برای مطالعه ادله ر.ک: شبیری زنجانی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، صص ۱۳۳-۱۳۱؛ صص ۲۱۱-۲۰۷؛ صص ۲۱۶-۲۱۴؛ صص ۲۱۶-۲۱۴؛ صص ۲۳۲؛ صص ۲۶۳-۲۶۱؛ صص ۲۸۵؛ صص ۴۴۱).

نتیجه گیری

قرینه‌های گونه‌گونی در کشف مرجع ضمیر در اسناد ضمیری وجود دارد که برخی داخلی و پاره‌ای خارجی هستند. قرینه‌های داخلی عبارتند از: مقتضای سیاق، سلسله اسناد مشابه، شیخ روایت و راوی که حدیث‌شناس را دست‌کم در ۳۴۹ حدیث راهبری می‌کند. قرینه‌های خارجی نیز عبارتند از: تصریح بزرگان، بودن سند در کتابی دیگر، کثرت نقل یک راوی از راوی دیگر، روایت نمودن شخصی از کتاب مخصوصی و عدم رجوع ضمیر جز به یک راوی خاص که حدیث‌شناس را در حداقل در ۲۲۲ سند راهنمایی می‌نماید که بسیاری از این اسناد، از گونه اسناد ضمیری غیرعادی می‌باشند. تمامی قراین یادشده، به جز آخرین قرینه، پرکاربرد بوده و در ده‌ها سند دیگر کاربرد دارد که به جهت تنگنای حجم مقاله، آدرس برخی از آنها آورده شده است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد، (۱۳۹۸ق)، *التوحید*، محقق: هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین.
۳. ابن بابویه، محمد، (۱۴۰۶ق)، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم: دار الشریف الرضی.
۴. ابن بابویه، محمد، (۱۴۱۳ق)، *الفضیله*، قم: جامعه مدرسین.
۵. ابن شهید ثانی، حسن، (۱۳۶۲ش)، *منتقى الجمال*، قم: جامعه مدرسین.
۶. ابن غضائری، (۱۴۲۲ق)، *الرجال*، قم: دار الحدیث.
۷. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۸. ابن منظور، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
۹. اردبیلی، احمد، (۱۴۰۳ق)، *مجمع الفائدة*، قم: جامعه مدرسین.
۱۰. استرآبادی، محمد جعفر، (۱۳۸۸ش)، *لب اللباب*، تهران: اسوه.
۱۱. آقا بزرگ تهرانی، (۱۴۰۳ق)، *الذریعة*، بیروت: دار الأضواء.
۱۲. انصاری، مرتضی، (۱۴۱۵ق)، *کتاب النکاح*، قم: کنگره بزرگداشت شیخ انصاری.
۱۳. ایروانی، باقر، (۱۴۳۱ق)، *دروس تمهیدیة فی القواعد الرجالیة*، قم: مدین.

۱۴. برقی، احمد، (۱۳۴۲ش)، **الرجال**، تهران: دانشگاه تهران.
۱۵. برقی، احمد، (۱۳۷۱ق)، **المحاسن**، قم: دار الکتب الاسلامیه.
۱۶. بهایی، محمد، (۱۳۹۸ق)، **الوجیزه**، قم: بصیرتی.
۱۷. بهبودی، محمد باقر، (بی تا)، **علل الحدیث**، بی جا: بی نا.
۱۸. تبریزی، جواد، (۱۴۲۹ق)، **الموسوعه الرجالیه**، قم: دار الصدیقه الشهیده.
۱۹. جدیدی نژاد، محمد رضا، (۱۳۸۹ش)، «تعلیقات استاد حسینی بر اسناد احادیث الکافی»، **آینه پژوهش**، شماره ۱۲۳، صص ۲۶-۲۱.
۲۰. حر عاملی، محمد، (۱۴۰۹ق)، **وسائل الشیعه**، قم: مؤسسه آل‌البت.
۲۱. حلی، ابن داود، (۱۳۴۲ق)، **الرجال**، تهران: دانشگاه تهران.
۲۲. حلی، حسن، (۱۴۰۲ق)، **رجال العلامه الحلی**، قم: الشریف الرضی.
۲۳. خوبی، ابوالقاسم، (۱۴۱۳ق)، **معجم رجال الحدیث**، بی جا: بی نا.
۲۴. دلبری، سید علی، (۱۳۹۰ش)، «بررسی گونه های اسناد در کتب اربعه حدیثی»، **فصلنامه مشکوه**، شماره ۱۱۱، صص ۹۲-۷۶.
۲۵. دلبری، سید علی، (۱۳۹۵ش)، **آشنایی با اصول علم رجال**، مشهد: دانشگاه رضوی.
۲۶. شبیری زنجانی، موسی، (۱۴۱۹ق)، **کتاب تکاح**، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
۲۷. شبیری زنجانی، محمد جواد، (۱۴۲۹ق)، **توضیح الأسناد المشکله**، قم: دار الحدیث.
۲۸. صدرایی خوبی، علی، (۱۴۲۹ق)، **کافی پژوهی در عرصه نسخه های خطی**، قم: دار الحدیث.
۲۹. صفار، محمد، (۱۴۰۴ق)، **بصائر الدرجات**، قم: مکتبه آیه الله المرعشی.
۳۰. طوسی، محمد، (۱۳۷۳ش)، **رجال الطوسی**، قم: جامعه مدرسین.
۳۱. طوسی، محمد، (۱۴۰۷ق)، **تهذیب الأحکام**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۲. طوسی، محمد، (۱۴۲۰ق)، **فهرست الطوسی**، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.
۳۳. عاملی، حسن، (۱۴۱۸ق)، **معالم الدین**، قم: مؤسسه الفقه.
۳۴. فیض کاشانی، محمد محسن، (۱۴۰۶ق)، **الوافی**، اصفهان: کتابخانه امام علی (ع).
۳۵. کلینی، محمد، (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۳۶. کلینی، محمد، (۱۴۲۹ق)، **الکافی**، قم: دار الحدیث.
۳۷. کنی تهرانی، علی، (بی تا)، **توضیح المقال**، قم: دار الحدیث.
۳۸. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، **بحار الأنوار**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۹. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ق)، **مرآة العقول**، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۴۰. مفید، محمد، (۱۴۱۳ق)، **الإرشاد**، قم: کنگره شیخ مفید.
۴۱. مفید، محمد، (۱۴۱۴ق)، **تصحیح اعتقادات الإمامیة**، قم: دار المفید.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۴ق)، **کتاب النکاح**، قم: انتشارات مدرسه امام علی (ع).
۴۳. نجاشی، احمد بن علی، (۱۳۶۵ق)، **رجال النجاشی**، قم: جامعه مدرسین.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Bibliography:

1. The Holy Quran.
2. Ibn Shahid Thani H. Muntaq Al-Jaman. Qom: Teachers Society; 1362 AH.
3. Ibn Ghaza'ri. Al-Rijal. Qom: Dar al-Hadith; 1422 AH.
4. Ibn Fāris A. Mu'jam Maqāyīs al-Lughah. Qom: Maktab al-A'lām al-Islāmi; 1404 AH.
5. Ibn Manzūr MbM. Lisān al- 'Arab. 3rd ed. Beirut: Dar al-Sādir; 1414 AH.
6. Ardabil A. Majma' al-Fa'ida. Qom: Teachers Society; 1403 AH.
7. Astarabadi MJ. Lub al-Lubab. Tehran: Oswe; 2009.
8. Ansari M. The Book of Marriage. Qom: Congress in honor of Sheikh Ansari; 1415 AH.
9. Irvani B. Preparatory lessons in the rules of rijal. Qom: Madyan; 1431 AH.
10. Aḳā Buzurg Tehrani MM. Al-Dharī'a ilā Taṣnīf al-Shī'a. Beirut: Dar al-'Aḳwa'; 1403 AH.
11. Barqī AMKh. Al-Rijāl, E. Ḥasan Muṣṭafawī. Tehran: University of Tehran; 1964.
12. Barqī AMKh. Al-Mahāsin. Research: Muḥaddith Jalal al-Din. Qom: Dar al-Kutub al-Islāmīyah; 1371 AH.
13. Shaykh Bahāyī MH. Al-Wajīzah fi 'Ilm al-Dirayah. Qom: Basīrafī; 1398 AH.
14. Behboodi MB. 'Ilal al-Hadith. Np: nd.
15. Tabrizi J. Al-Mawsu'at al-Rijaliyah. Qom: Dar al-Sadiqah al-Shahida; 1429 AH.
16. Jadidinejad MR. Master Hosseini's Comments on the Asnad of Al-Kafi's Hadiths. Ayeney-e Pajuhesh 2010, 123: 26-21.
17. Ḥurr 'Āmilī MBHB'. Wasā'il Al-Shī'ah. Qom: Āl al-Bayt li 'Ihyā' al-Turāth Institute; 1409 AH.
18. Hilli ID. Kitab Al-Rijāl. Tehran: University of Tehran; 1964.
19. Hilli H. Rijal Al-Allamah Al-Hilli. Qom: Al-Sharif Al-Radhi; 1402 AH.
20. Khu'ī S'A. Mu'jam al-Rijāl al-Hadīth wa Tafṣīl Ṭabaqāt al-Ruwāt. 5th ed. Najaf; np. 1413 AH.
21. Delbari SA. Introduction to the principles of Rijal. Mashhad: Razavi University; 2016.

22. Delbari SA. Study of the types of documents in the 4 Hadith books. Meshkat 2011, 111: 92-76.
23. Shubayri Zanjani MJ. Tawdih al-Asnad al-Mushkila. Qom: Dar al-Hadith; 1429 AH.
24. Shubayri Zanjani M. Kitab al-Nikah. Qom: Raypardaz Research Institute; 1419 AH.
25. Sadraee Khoei A. Researches on Kafi in the field of manuscripts. Qom: Dar al-Hadith; 1429 AH.
26. Şadūq (Ibn Bābiwayh) MbA. Al-Tawḥīd. Research: Hosseini SH. Qom: Jami'at al-Mudarrisīn; 1398 AH.
27. Ibn Bābiwayh, MA (Shaikh Şadūq). Thawāb al-'A'māl wa 'Iqāb al-'A'māl. Qom: Dar al-Sharīf al-Raḍī; 1406 AH.
28. Ibn Bābiwayh, MA (Shaikh Şadūq). Al-Fā'iq. Qom: Jami'at al-Mudarrisīn; 1413 AH.
29. Şaffār M. Başā'ir al-Darajāt, E. Muḥsin KūchiBāgī, Qom: Kitābkhāni 'Āyatullāh Mar'ashī; 1404 AH.
30. Tūsī MBH. Tahdhīb Al-Aḥkām. Research: Kharsan SH. Edited: Akhondi M. Tehran: Dār Al-Kutub Al-Islāmīyah; 1407 AH.
31. Tūsī MBH. Al-Rijāl. Research: Qayoumi J. Qom: Mu'assisah al-Nashr al-Islāmī; 1995.
32. Tūsī MBH. Al-Fihrist. Qom: Al-Tabataba'i Research Library; 1420 AH.
33. Ameli H. Ma'alim al-Din. Qom: Fiqh Foundation; 1418 AH.
34. Fayz Kashani MISHM. Al-Wāfi. Isfahan: Imam Amir al-Mu'minin Ali Public Library; 1406 AH.
35. Al-Kulaynī MbY. Al-Kāfi. Research: Ghafari AA & Akhondi M. 4th ed. Tehran: Dar al-Kutub al-Islāmiya; 1407 AH.
36. Al-Kulaynī MbY. Al-Kāfi. Qom: Dar al-Hadith; 1429 AH.
37. Kani Tehrani A. Tawdih al-Maqal. Qom: Dar al-Hadith; nd.
38. Majlisī MB. Mir'āt al-'Uqūl fī Sharḥ 'Akhbār 'Āli al-Rasūl. Tehran: Islamic Books House; 1404 AH.
39. Majlisī MB. Biḥār al-'Anwār. Beirut: Dar Al-'Ihya' Al-Turath Al-Arabi; 1403 AH.
40. Mufīd MbM. Al-'Irshād. Qom: Congress of Shaikh Mufīd; 1413 AH.
41. Mufīd MM. Taṣḥīḥ 'I'tiqādāt al-'Imāmīyah. 2nd ed. Lebanon: Dar al-Mofid; 1414 AH.

42. Makarem Shirazi N. Kitab al-Nikah. Qom: Imam Ali (AS) School Publications; 1424 AH.
43. Najjāshī. Al-Rijāl. Qom: Mu'assisat al-Nashr al-Islāmī; 1365 AH.

